

The Role of Cultural Citizenship Education in Reducing Social Harm and Internet Crime Among the Youth

Mahdi Tayyar*

Received: 08/02/2016

Accepted: 29/04/2016

This research examines the role and impact of cultural citizenship education in reducing social harm and Internet harassment among young people. First, the subject literature and then the quadratic research The role of cultural education in reducing social harm and Internet crimes among young people from the viewpoint of students of Azad University of Tehran North Branch is explained and reviewed. The method applied in this research is in terms of purpose and a descriptive-survey method from the field research field. The statistical population of this research is all students of Azad University of North Tehran Branch and the statistical population is about 10,000 people

The sample size is calculated using the Cochran formula. Of the distributed questionnaires, 358 respondents answered the questions and these answer sheet were analyzed. The data collected from the questionnaires were analyzed in two ways: In the first stage, the data are described in descriptive statistics through tables, forms and charts, and in the second section, the views of the statistical sample (students of the Azad University of Tehran North Branch) are presented in the form of statistical table. In conclusion, the information obtained from the research is summarized and the four hypotheses of the research are presented and the final results of each of these assumptions are tested, all the research hypotheses are confirmed.

Keywords: Education, Cultural Education, Cultural Citizenship Education, Social Damage, Crime, Azad University Students - North Tehran Branch

* Master of Arts in Executive Management of Tehran University tayar.m61@gmail.com

آموزش‌های فرهنگی شهروندی و نقش آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی در میان جوانان

مهدی طیار*

دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۰

چکیده

این تحقیق در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی که آموزش‌های فرهنگی شهروندی چه تأثیری در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی در میان جوانان دارد؟ نخست ادبیات موضوع بررسی و پس از تعیین چارچوب نظری تحقیق نقش آموزش‌های فرهنگی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی در میان جوانان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا توصیفی-پیمایشی از شاخه تحقیقات میدانی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال را شامل می‌شود. جامعه آماری حدوداً ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشند که حجم نمونه از طریق فرمول کوکران محاسبه شده است. از میان پرسشنامه‌های توزیع شده تعداد ۳۵۸ نفر به سؤالات پاسخ داده‌اند که پاسخنامه‌های آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است.

در این تحقیق داده‌های حاصل از گردآوری پرسشنامه‌ها به دو طریق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند: در مرحله نخست داده‌ها به شیوه آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که در این قسمت از طریق جداول، اشکال و نمودارها و... به توصیف آن‌ها پرداخته شده و در بخش دوم دیدگاه‌های اعضای نمونه آماری که دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال بوده‌اند در قالب جداول آماری ارائه شده است. در خاتمه به جمع‌بندی اطلاعات حاصل شده از انجام تحقیق پرداخته و فرضیات چهارگانه تحقیق مطرح و نتایج نهایی راجع به آزمون هر یک از آن فرضیات مطرح شده است. با توجه به نتایج حاصل شده کلیه فرضیه‌های تحقیق تأیید شده است.

واژگان کلیدی

آموزش، آموزش‌های فرهنگی، آموزش‌های فرهنگی شهروندی، آسیب‌های اجتماعی، جرم و جنایت، دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

مقدمه

«ادوارد بارنت تیلور»^۱ در تعریف انسان‌شناختی خود از فرهنگ بیان داشته است: فرهنگ، مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هاست که بر اثر تجربه و مرور زمان در یک جامعه خاص و در سرزمینی معین به وجود می‌آید و مردم با استفاده از آن، رفتارهای گوناگون خود را شکل داده و یا به مرحله اجرا درمی‌آورند؛ از این رو شامل؛ معارف، اعتقادات، هنر، حقوق، اخلاق، رسوم و تمام توانایی‌ها و عاداتی است که بشر به‌عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند (Taylor, 2010, p.118). آنچه را عموم مردم فرهنگ تلقی می‌کنند، متخصصان فرهنگ تلقی نمی‌کنند (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۳۶). فرهنگ مجموعه هماهنگی از دانش‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای انسانی است که به‌صورت نمادهای گوناگون در عرصه‌های سخت‌افزاری اجتماع انسان و امور مربوط به تمدن ظهور می‌یابد و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود (خسروپناه، ۱۳۹۰، ص ۲۷). مفهوم فرهنگ محدود به داشتن آگاهی در حوزه‌ای خاص از دانش‌ها نمی‌شود. فرهنگ در انسان‌شناسی تمامی شیوه‌های رفتاری ناشی از فعالیت‌های انسانی را دربر می‌گیرد (پهلوان، ۱۳۹۰، صص ۴۱-۴۲).

با توجه به ماهیت و جایگاه فرهنگ در جامعه، آموزش‌های فرهنگی عرصه‌ای پیچیده با ابعاد گسترده است. این مقوله، آموزش به یک جامعه متنوع را در بر می‌گیرد؛ آموزش فرهنگی است که شهروندان را قادر می‌سازد در جامعه‌ای چندقومیتی و چندفرهنگی، زندگی مسالمت‌آمیزی در کنار یکدیگر داشته باشند. در ارزش‌های بازیافته در فرهنگ است که آدمی ارزش و مقام خود را بازمی‌یابد و برای انتخاب‌های خود در هنگام روبه‌رو شدن با موقعیت‌های مختلف توجه لازم را پیدا می‌کند. آموزش‌های فرهنگی با شناخت عمیق فرهنگ دینی و ملی، دانایی و توانایی‌ای را در اختیار جامعه قرار می‌دهد که باعث شکوفایی انسان‌ها شده و در راستای نیازهای اصلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. بررسی تجارب کشورهای موفق در این عرصه نشان می‌دهد که آموزش فرهنگی این جوامع منتج از حرکت نهادهای آموزشی این کشورها در مسیر فرهنگ ملی آنان بوده است. با وجود تمام اقدامات و فعالیت‌هایی که سازمان‌های فرهنگی و سایر سازمان‌های غیردولتی در ارتباط با نقش فرهنگ و

آموزش‌های فرهنگی در توسعه و پیشرفت جامعه در سطح جهان ایفا کرده‌اند، شایسته است که نهادها و سازمان‌های گسترده‌ای در عرصه محلی، ملی و بین‌المللی مشارکت فعالانه‌ای ایفا کنند.

با مرور مقالات و تحقیقات پیشین در خصوص استفاده از اینترنت، برنامه‌های ماهواره‌ای و بازی‌های رایانه‌ای و تأثیرات آن‌ها بر مخاطبان، در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که بیشتر آن‌ها ضمن اینکه معتقدند این ابزارها می‌توانند دارای کارکرد مثبت باشند، نیز می‌توانند اثرهای منفی و سویی بر جامعه و مخاطبان داشته باشند. این اثرها در حوزه اینترنت عبارت‌اند از:

- مختل شدن تعاملات اجتماعی افراد و رواج فردگرایی و انزواطلبی در بین آن‌ها.
- تماشای تصاویر مستهجن و مسائل مربوط به زناشویی توسط کودکان و نوجوانان که جنبه بدآموزی برای آن‌ها داشته و در زود رسیدن آن‌ها به سن بلوغ تأثیر زیاد دارد. هرزه‌نگاری در اینترنت منجر به بیماری‌های جنسی و روانی مانند آزار و اذیت کودکان و تجاوز به عنف و در کل منجر به شهوانی ساختن فضای جامعه می‌شود. هرزه‌نگاری در اینترنت در روابط صحیح و صمیمی خانوادگی و نیز زندگی زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد.
- تماشای تصاویر قتل و خشونت که بر روحیه لطیف کودکان تأثیر روانی و منفی دارد.
- وسیله‌ای برای انواع کلاه‌برداری‌ها و قماربازی اینترنتی است؛ به‌طوری که منجر به اتلاف وقت و هزینه، کم‌کاری، کاهش تولید، سهولت پول‌شویی می‌گردد.
- استفاده زیاد و افراطی از اینترنت که به‌عنوان اعتیاد اینترنتی مطرح است و منجر به مختل شدن روابط اجتماعی فرد استفاده‌کننده می‌گردد و در صورت استفاده نکردن از اینترنت موجب ناراحتی، احساس بی‌قراری، افسردگی و زودرنجی در او می‌شود.
- در حوزه استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای می‌توان به اثرات منفی زیر اشاره کرد:
 - ترویج و اشاعه یک فرهنگ غالب تحت عنوان جهانی شدن و یا پروژه جهانی‌سازی؛ و تضعیف و تحلیل فرهنگ‌های بومی و ایجاد بحران هویت و بی‌خویشتن‌شدگی در جامعه.

- انتشار اخبار دروغ ضد دولت‌ها و حاکمیت یک جامعه؛ و تشدید یا تقویت فرایندهای اجتماعی مانند کشمکش، توافق، همگونی و رقابت به‌عنوان ارزش‌های اجتماعی، در دو حوزه ملی و فراملی.

در حوزه استفاده از بازی‌های رایانه‌ای بیشتر به القای خشونت و پرخاشگری در این بازی‌ها (بازی‌های اکشن، ماجراجویی و مبارزه‌ای) اشاره کرده‌اند که بر رفتار کودکان و نوجوانان اثرات سوء دارد.

به‌رغم اهمیت بالای فرهنگی این موضوع بر روی دانشجویان و جوانان چندان مورد تحقیق و بررسی کارشناسان و پژوهشگران علم ارتباطات قرار نگرفته تا با شناخت تأثیر ماهواره بر هویت ملی کاربران جوان دانشجو، بتوان کمک شایانی به حفظ هویت ایرانی و ملی کرد.

این تحقیق در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی که آموزش‌های فرهنگی چه تأثیری در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی در میان جوانان دارد؟ نخست ادبیات موضوع بررسی و پس از تعیین چارچوب نظری تحقیق نقش آموزش‌های فرهنگی شهروندی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی در میان جوانان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال مورد بررسی قرار گرفته است.

ادبیات تحقیق

فرهنگ و آموزش شهروندی

آموزش شهروندی به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی از مؤلفه‌های نظام مردم‌سالاری-سیاسی و شاخص کلیدی برای تحقق مردم‌سالاری در حوزه عمومی جامعه مدنی است و به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی در ساختار فرهنگی جامعه ایران در قالب سه شکل؛ امتناع شهروندی، امکان شهروندی و ایجاد شهروندی قابل مطالعه است. در واقع زمینه‌های اصلی و شکل‌دهنده آموزش شهروندی شامل؛ سنت، تاریخ، موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و سیاسی، نظام اقتصادی و گرایش‌های نوین جهانی است. آموزش شهروندی از بعد سیاسی در واقع توسط نظام سیاسی حاکم بر جامعه تعیین و مشخص می‌گردد. چنین تربیتی از بعد سیاسی و مدنی به‌عنوان یک واقعیت به تعلیم راهکارهای ایجاد وحدت،

حفظ یگانگی و انسجام همه‌جانبه شهروندان می‌پردازد که این مسئله موجب رشد هویت ملی در بین شهروندان می‌شود (فتحی و علاف بهبهانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱).

بر این اساس، آموزش شهروندی ناظر به برخورداری از حقوق، وظایف، تکالیف، مسئولیت‌ها و تعهدات اخلاقی، سیاسی و اجتماعی برابر و همگانی اعضای جامعه، به همراه احساس تعلق، عضویت و هویت اجتماعی فراگیر برای مشارکت جدی در جامعه سیاسی، توأم با بهره‌مندی یکسان و عادلانه از امتیازات، مزایا و منابع جامعه فارغ از تملقات قومی، نژادی، طبقاتی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی است (ترنر، ۱۹۹۴؛ مک‌لین، ۱۹۹۶؛ تم، ۱۹۹۸ به نقل از منوچهری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۵، ص ۶) و تأکید عمده در آن، این است که فراگیران را به‌عنوان شهروندان به‌گونه‌ای تربیت کنند که در اجتماع و محیط پیرامون مشارکت کنند، با حقوق خود آشنا شوند و به وظایف خود در قبال جامعه عمل کنند. آموزش شهروندی، بدین ترتیب از تصمیم‌گیری و قضاوت عادلانه در روابط اجتماعی فراتر می‌رود. آموزش شهروندی دربرگیرنده احترام متقابل میان شهروندانی است که در هویت‌های قومی، زبانی، نژادی، فرهنگی، دینی و جنسیتی تفاوت نشان می‌دهند. نحله‌های اجتماعی و سیاسی همچون «اجتماع‌گرایان» (اتزیونی، ۱۹۹۳ و ۱۹۹۸) تأکید بسیاری بر آموزش این مهارت‌ها در اجتماع دارند (ذکابی، ۱۳۹۱، ص ۲۵).

فرهنگ و آموزش‌های فرهنگی و جایگاه آن در توسعه جامعه

فرهنگ و توسعه دو واژه‌ای هستند که بیشتر با هم به کار برده می‌شوند و در چارچوب‌های موضوعی یکسان نیز کاربرد دارند. در عصر حاضر و در عرصه‌های علمی- اجتماعی و هم‌چنین سازمان‌های متفاوت بین دولتی و جوامع مدنی درباره نقش فرهنگی و آموزش‌های فرهنگی می‌تواند در توسعه و تعالی جامعه داشته باشد بحث‌های زیادی صورت گرفته است و هم‌چنین به اقدامات عملی شدن این مورد نیز پرداخته شده است. در ادامه اجمالاً به بررسی جایگاه فرهنگ و آموزش‌های فرهنگی در توسعه و تعالی جامعه پرداخته می‌شود.

فرهنگ هر ملتی نشانه هویت و استقلال اوست. کسب و حفظ استقلال فرهنگی و فکری، نشانه حیات و قدرت یک جامعه است و ویرانی و انهدام یک فرهنگ، ویرانی

یک ملت است. امام خمینی (ره) نیز به‌عنوان معمار بزرگ انقلاب اسلامی ایران، همواره بر اهمیت و ضرورت هویت فرهنگی تأکید فراوان داشته‌اند، به‌طوری که این تأکید تنها بیان ارشادی و شعارگونه نبوده است، بلکه به‌تناسب شرایط مکانی و زمانی توانسته بودند اصول و مؤلفه‌های آن را نیز تبیین کنند (جبارزاده و همکاران، ۱۳۸۹). به باور ایشان، «بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحرافات فرهنگی، هرچند جامعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالأخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمامی ابعاد از دست می‌دهد» (امام‌خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۰). هم‌چنین به باور امام راحل (ره)، فرهنگ، نه‌تنها سازنده خوشبختی ملت‌هاست بلکه انحطاط ملت‌ها نیز در گرو فرهنگ جامعه است؛ زیرا پایه‌های اعتقادی، اخلاقی، علمی و هنری جوامع که خوشبختی ملت‌ها را رقم می‌زنند، با انحراف فرهنگ، مضمحل شده و موجب انحطاط انسان‌ها و جوامع می‌شوند (فراهانی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۴).

از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز، خاطرات، ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی برای یک ملت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲). فرهنگ جهت‌دهنده ذهنیت‌های انسان و عامل اصلی و تعیین‌کننده رفتارهای فردی و اجتماعی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸). در حقیقت، فرهنگ، مایه اصلی هویت ملت‌ها است. فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. هم‌چنین مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «منظور از فرهنگ، عقاید و اخلاق است. برخلاف ما که وقتی در محاوراتمان واژه فرهنگ را می‌گوییم، بیشتر آداب و رسوم و زبان فارسی و این حرف‌ها به ذهنمان می‌آید و وقتی ده درصد بودجه کشور را برای فرهنگ می‌گذارند، متأسفانه صرف همین‌ها می‌شود؛ بنابراین، فرهنگ باورها و ارزش‌هاست و مسائل دیگر جنبه فرعی و ثانوی دارد. شکل خانه‌سازی یا برخی آداب و رسوم، ماهیت فرهنگ را

عوض نمی‌کند. فرهنگ جامعه هنگامی تغییر می‌کند که باورها و ارزش‌های حاکم بر زندگی تغییر کند. اصول دین و فروع دین هم بیشتر به باورها و ارزش‌ها مربوط است. باورها را بیشتر در اصول و ارزش‌ها را بیشتر در فروع دین مطرح می‌کنیم. پس حقیقتاً جایی که اسلام در زندگی اجتماعی مردم اثر می‌گذارد، در بعد فرهنگی است و به وسیله فرهنگ، با تمدن ارتباط پیدا می‌کند. به همین خاطر، مسائل فرهنگی و تمدن با هم آمیخته است، حتی یک پدیده از جهتی مربوط به تمدن و از جهتی مربوط به فرهنگ است. اگر شکل ظاهری و جهات محسوس آن را حساب کنیم، بعد تمدنی است و اگر جهات معنایی آن را در نظر بگیریم، آن بار معنایی که دربر دارد و حکایت از باور یا ارزش خاصی می‌کند، آن با فرهنگ جامعه ارتباط دارد» (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶).

نقش فرهنگ در هر جامعه را می‌توان به نقش سیستم ایمنی در موجود زنده تشبیه کرد. سیستم ایمنی از طرفی زمینه و امکان فعالیت و کارکرد درست هر یک از اجزا و عناصر موجود زنده را فراهم می‌آورد و از طرف دیگر از نفوذ عوامل مخرجه سلامت ممانعت و در صورت ورود با آن‌ها مقابله و بدین ترتیب ادامه حیات سالم موجود زنده را تأمین می‌کند. همان‌طور که مهلک‌ترین بیماری برای موجود زنده، تخریب دستگاه ایمنی آن است، خطرناک‌ترین بیماری برای یک جامعه نیز، بیماری فرهنگی است؛ بنابراین، مؤثرترین و بهترین راه برای حفظ سلامت موجود زنده تقویت سیستم ایمنی است، بهترین و نافذترین روش برای حفظ و تعالی جامعه، تقویت و صیانت از فرهنگ متعالی و تهذیب آن از زشتی‌ها و ناپاکی‌ها است (عربی و شیخیانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴).

بر این اساس، فرهنگ به‌عنوان پایدارترین حوزه اجتماع، شکل و ماهیت حرکت جامعه را مشخص می‌کند. فرهنگ در هر اجتماعی، به‌عنوان زیربنای جامعه انسانی آن اجتماع بر پایه مفروضات و اصول اساسی شکل می‌گیرد؛ و بر روی آن‌ها ارزش‌های فرد و جامعه تشکیل می‌شود که در نهایت این ارزش‌ها به هنجارهای اجتماعی تبدیل شده و در قالب رفتار فردی و جمعی تبلور عینی می‌یابد (علایی رحمانی و حسین‌پور، ۱۳۹۱، ص ۱۱)؛ لذا فرهنگ می‌تواند به‌عنوان راه‌حل مشکلات انباشته‌شده در طی زمان نیز تلقی گردد. فرهنگ نه تنها راه‌حلی را برای مشکلات عملی به دست می‌دهد،

بلکه مشکلات انتزاعی را هم حل می‌کند؛ از این رو، فرهنگ به‌عنوان اصلی‌ترین حوزه اجتماع، هم نشان‌گر شکل و ماهیت حرکت جامعه بوده و هم بیان‌گر ارزش و اقتدار یک جامعه است. آنچه سازنده ذهنیت فردی و جمعی و شکل‌دهنده رفتارها و کنش‌های اجتماعی می‌شود و ارزش‌ها و هنجارهای فرد و جامعه را شکل می‌دهد و در قالب رفتار آحاد جامعه تبلور می‌یابد، فرهنگ است (کاوسی و همکاران، ۱۳۹۵).

با توجه به ماهیت و جایگاه فرهنگ در جامعه، آموزش‌های فرهنگی عرصه‌ای پیچیده با ابعاد گسترده است. این مقوله، آموزش به یک جامعه متنوع را در بر می‌گیرد؛ آموزش فرهنگی است که شهروندان را قادر می‌سازد که در جامعه‌ای چندقومیتی و چندفرهنگی زندگی مسالمت‌آمیزی در کنار یکدیگر داشته باشند. در ارزش‌های باز یافته در فرهنگ است که آدمی ارزش و مقام خود را بازمی‌یابد و برای انتخاب‌های خود در هنگام روبه‌رو شدن با موقعیت‌های مختلف توجه لازم پیدا می‌کند. آموزش‌های فرهنگی با شناخت عمیق فرهنگ دینی و ملی، دانایی و توانایی‌ای را در اختیار جامعه قرار می‌دهد که باعث شکوفایی انسان‌ها شده و در راستای نیازهای اصلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. بررسی تجارب کشورهای موفق در این عرصه نشان می‌دهد که آموزش فرهنگی این جوامع منتج از حرکت نهادهای آموزشی این کشورها در مسیر فرهنگ ملی آنان بوده است. با وجود تمام اقدامات و فعالیت‌هایی که سازمان‌های فرهنگی و سایر سازمان‌های غیردولتی در ارتباط با نقش فرهنگ و آموزش‌های فرهنگی در توسعه و پیشرفت جامعه در سطح جهان ایفا کرده‌اند (مایدرا^۲، ۲۰۱۰)، شایسته است که نهادها و سازمان‌های گسترده‌ای در عرصه محلی، ملی و بین‌المللی مشارکت فعالانه‌ای در این عرصه ایفا کنند (کاوسی و همکاران، ۱۳۹۵).

ایترنت و مخاطرات آن برای جوانان

بسیاری از نوجوانان در معرض اثرات منفی ناخواسته در اینترنت هستند. این اثرات منفی همانند نگرانی‌های است که والدین از حوادث خیابانی و یا برق‌گرفتگی در اثر بی‌احتیاطی که برای فرزندان‌شان رخ می‌دهد، است. برای پیشگیری از چنین حوادثی مستلزم توجه به نکاتی است که عموماً والدین از آن بی‌اطلاع هستند. برای مثال بسیاری

از نوجوانان برای استفاده صحیح از شبکه اینترنت به‌عنوان تکلیف درسی از موتور جستجوگر استفاده می‌کنند. بسیاری از واژگانی که به این موتورهای جستجوگر داده می‌شود همراه با خود تعدادی از وب‌گاه‌های غیراخلاقی با خود به همراه می‌آورند. در واقع فرزندان قربانی اطلاعات ناخواسته می‌شوند. این اطلاعات ناخواسته شامل تصاویر و فیلم‌های مستهجن، رابطه جنسی با حیوانات، همجنس‌گرایی و هرزه‌نگاری‌ها است که نتیجه آن از منظره آسیب‌شناسی میل جنسی آشنایی با ارزش‌های ضد اجتماعی، زودرس در کودکان و نوجوانان و نهایتاً انحطاط اخلاقی است (تافلر، ۱۳۷۷).

مطالب و تصاویر غیراخلاقی در گوشه و کنار اینترنت مخفی شده‌اند. حتی در سامانه‌های یکپارچه‌ای که به کنترل محتوای وب‌گاه‌ها می‌پردازند، این کنترل‌چندان رضایت‌بخش نیست و احتمال خطر وجود دارد. در اینترنت هیچ کجا ایمن نیست و مانند زندگی واقعی ما انسان‌ها در جریان است؛ لذا کودکان و نوجوانان در چنین فضایی با خطراتی روبه‌رو هستند که بیش از همه تهدید می‌شوند. به‌عنوان فضایی که دسترسی به آن آسان است و هیچ محدودیت موضوعی ندارد و کودکان و نوجوانان کمتر به اثرات منفی آن آگاه‌اند.

بحران هویت در جوانان

با امکانات و گزینه‌های فراوانی که رسانه‌های عمومی از جمله اینترنت در اختیار جوانان می‌گذارد، دائماً با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می‌شوند. چنین فضایی هویت نامشخص و دائماً متحولی را می‌آفریند، خصوصاً برای نسلی که در مقایسه با نسل قبل با محرک‌های فراوانی مواجه است. جوان، به‌خصوص در دوران بلوغ که مرحله شکل‌گیری هویت اوست و همواره به دنبال کشف ارزش‌ها و درونی کردن آن‌ها است، با اینترنت و حجم گسترده، حیرت‌انگیز و گوناگون اطلاعات مواجه می‌شود و ناچار است که در این دنیای مجازی، هویت خویش را از این طریق پیدا کند؛ لذا ممکن است اینترنت در ایجاد هویت‌یابی جوانان اثر منفی داشته باشد.

از سوی دیگر، گاهی برخی از ویژگی‌های شخصیتی مانند سن، تحصیلات، محل سکونت و حتی جنسیت در اینترنت از بین می‌رود؛ به‌عنوان نمونه، بسیاری از افرادی

که در اتاق‌های چت مشغول گفتگو با یکدیگر می‌باشند، با مشخصاتی غیرواقعی ظاهر شده و از زبان شخصیتی دروغین که از خود ساخته‌اند و آن را به مخاطب یا مخاطبان خود معرفی کرده‌اند، صحبت می‌کنند و همین شخصیت‌های ناشناس تأثیرات شگرفی را بر یکدیگر می‌نهند (پستمن، ۱۳۷۳).

تعریف آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضوی و آسیب‌های اجتماعی (کج‌روی‌ها) قائل می‌شوند. واژه آسیب‌شناسی از دیدگاه پزشکی به فرایند ریشه‌یابی بیماری‌ها گفته می‌شود. هنگامی که سیستم بدن و سلول‌ها به هر صورت کار نمی‌کنند، بدن انسان بیمار می‌شود. هنگامی که جامعه بیمار می‌شود، عناصر آن شامل ساختار و فرهنگ به درستی عمل نمی‌کنند. مثلاً مسائلی نظیر جرم، خشونت، فقر، انحراف جوانان اغلب منتسب به نقض نهاد خانواده، زوال نهاد فرهنگ و عدم کارایی نهادهای سیاسی، آموزشی و اقتصادی می‌باشند. واژه بیماری اجتماعی نتیجه عدم جامعه‌پذیری افراد و انطباق آن‌ها با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است؛ لذا به‌طور ضمنی آسیب‌های اجتماعی اینترنت را در کارکرد منفی این پدیده در کل جامعه می‌توان مشاهده کرد. با توجه به نتایج تحقیقات انجام‌شده در ایران و جهان پیرامون نحوه استفاده کاربران از اینترنت و تأثیر آن بر رفتار آن‌ها، به‌طور کلی آسیب‌های اینترنتی را می‌توان به سه دسته طبقه‌بندی کرد.

آسیب‌های اجتماعی اینترنت

یک. اینترنت و تعارض در ارزش‌ها

یکی از مباحث مهم در قلمرو فرهنگ مفهوم ارزش‌ها است. ارزش به عبارتی عقاید مشترک اجتماعی درباره آنچه خوب، درست و مطلوب است. ارزش‌های یک جامعه به این دلیل مهم است که محتوای هنجارها و رفتارهای اعضای آن جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنانکه در یک جامعه ارزش‌های فردی و لذت‌جویانه مقدم بر ارزش‌های جمعی گردد، سوگیری کنشگر معطوف به رجحان‌های فردی خواهد شد. اینترنت

پدیده‌ای است که خواستگاه آن غرب است؛ لذا این پدیده در جهت ترویج ارزش‌های غربی است. فرهنگ یک کشور در نظام ارزشی تبلور پیدا می‌کند. هر فرهنگی دارای ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود است (دیویس و دیویس، ۱۳۸۰).

معمولاً تغییرات فناورانه و اجتماعی موجب تغییر در حوزه فرهنگ (یعنی ارزش‌ها و هنجارها) می‌شود. یکی از چالش‌های فراروی فرهنگ‌ها برخورد با این پدیده است؛ زیرا اساساً ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی چالش جدیدی را در کشورهای دیگر روبه‌رو می‌سازد. از آنجاکه برخی از عناصر ارزشی موجود در این پدیده مغایر با فرهنگ خودی (ارزش‌های اسلامی و ایرانی) است؛ لذا می‌توان آسیب‌های زیادی را به همراه داشته باشد. مثلاً ورود اینترنت در حوزه خانواده موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها می‌شود. فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی، ارزش‌های دینی در مقابل ارزش‌های غیردینی، اهمیت قائل شدن به نظرات والدین، ارزش‌های دوست‌یابی، همسرگزینی، صرف اوقات فراغت همراه با خانواده از جمله اثرات این پدیده می‌تواند باشد (آذری، ۱۳۸۱).

دو. جرم رایانه‌ای در اینترنت

جرم اینترنتی به فعالیتی گفته می‌شود که در آن رایانه‌ها یا شبکه‌های ارتباطی، ابزار، مقصد یا محل اجرای یک فعالیت مجرمانه و غیرقانونی باشند. «جرم مجازی» برای توصیف فعالیت‌هایی استفاده می‌شود که در آن‌ها رایانه‌ها یا ابزارهای ارتباطی بخش اصلی جرم و بزهکاری محسوب می‌شوند.

نمونه‌ای از جرائم مجازی که در آن‌ها رایانه، هدف و مقصد نهایی فعالیت غیرقانونی و خلاف عرف به شمار می‌رود، استفاده تقلبی از کارت اعتباری، قماربازی اینترنتی، تجارت تقلبی، دسترسی غیرقانونی به اطلاعات، ارسال پیام‌های مزاحم، هک کردن پایگاه‌های اینترنتی و به دست گرفتن کنترل یک سایت یا سرویس‌دهنده آنلاین است. همچنین جرائمی سازماندهی شده مانند تروریسم مجازی، جاسوسی برای دزدیدن اسرار نظامی، اقتصادی و سیاسی از مراکز استراتژیک دفاعی، وزارتخانه‌ها و نهادهای غیردولتی زمانی که با کمک رایانه و اینترنت صورت بگیرد (Abu_lughod, 1989).

بررسی آمار جرائم رایانه‌ای جهان بیانگر این واقعیت است که طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ برخی از کشورها شاهد ۱۶۰۰ درصد رشد در این‌گونه جرائم بوده‌اند که شامل نفوذ غیرقانونی، رمزشکنی، چاپ تصاویر یا تبلیغات مبتذل، خسارت به دیگران، تقلب در خریدهای اینترنتی، تعرض به حقوق مالکیت معنوی و دیگر موارد بوده است.

سه. سوءاستفاده جنسی

یکی دیگر از خطرات جدی اینترنت در دوران کنونی متوجه کودکان و نوجوانان است. از جمله این خطرات، سوءاستفاده جنسی از طریق اینترنت است. کودکان و نوجوانان به‌خصوص در جوامع پیشرفته که استفاده از اینترنت در خانه و مدرسه برای آنان میسر است، از طریق اتاق‌های چت و گپ‌زنی مورد اغفال و سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. در مواردی کار اغفال کودکان توسط باند و تشکیلات برنامه‌ریزی‌شده انجام می‌شود (بنشاپ، ۱۳۸۴).

مطالعاتی که در غرب در این زمینه انجام گرفته است، اغلب نوجوانانی که مورد اغفال و سوءاستفاده جنسی واقع می‌شوند، زیر ۱۸ سال سن دارند و در بیشتر موارد تصاویر تحریک‌کننده‌ای از طریق چت یا تلفن همراه برایشان ارسال، و سپس از آن‌ها برای حضور فیزیکی در محل خاصی دعوت شده و بدین ترتیب فریب خورده و مورد تجاوز جنسی واقع می‌شوند.

چهار. آزار مجازی

از جمله پدیده‌های جدید و بی‌سابقه که شکل‌گیری آن به گسترش اینترنت مربوط می‌شود، آزار و اذیت‌های اینترنتی است که امروز به اشکال مختلف در حال گسترش است. دامن زدن به مشکلات اجتماعی، خانوادگی، شغلی از نخستین پیامدهای این جریان است که البته بیشترین قربانیان آن را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. اصولاً تعریف دقیق و جامعی برای این نوع آزار وجود ندارد، اما می‌توان آن را به تهدید و یا آزار مداوم یک فرد از طریق اینترنت و یا دیگر ابزار ارتباطی تعریف کرد (پلاس و کینی، ۱۳۷۸).

وجود پایگاه‌های متعدد اینترنتی که به ارائه اطلاعات شخصی افراد به همگان می‌پردازند، زمینه‌ای مناسب‌تر برای این‌گونه افراد فراهم می‌آورد. امروزه این‌گونه آزارها را می‌توان به اشکال مختلف مشاهده کرد. پست‌های الکترونیکی ناخواسته را که حاوی مطالب زشت و زننده و یا تهدیدکننده می‌باشند، می‌توان از رایج‌ترین این موارد برشمرد. به‌طورکلی می‌توان پیامدهای این نوع آزارها را برای قربانیان، گسترده توصیف کرد. این نوع آزارها می‌توانند زندگی اجتماعی و خصوصی افراد را دستخوش تغییرات کنند. تغییر محل زندگی، محل کار، شماره تماس و پرهیز از حضور در اماکن عمومی، نمونه‌هایی از پیامدهای این آسیب‌ها است. قربانیان این نوع آزار هم غالباً با مشکلات روحی و روانی مواجه می‌شوند. احساس ترس، اختلال در خواب، سردرد و خستگی از بارزترین نمونه‌های این موارد است (بنشاپ، ۱۳۸۴).

پنج. عمومی شدن حریم خصوصی

حریم خصوصی، قلمروی از زندگی اشخاص است که متعارف با درک نیازهای جامعه در هیچ وضعیتی تجاوز به آن مجاز شناخته نمی‌شود؛ به دیگر سخن حق افراد، گروه‌ها یا مؤسسات نسبت به اینکه چه موقع، چگونه و چه اندازه اطلاعات درباره آن‌ها به دیگران منتقل شود، حق حریم خصوصی نام دارد. مالکیت افراد بر شرافت و حیثیت خود مهم‌ترین معرف حریم خصوصی محسوب می‌شود. آنچه برخی از متفکرین را نگران کرده مسئله از بین رفتن مرز حوزه عمومی و خصوصی در جوامع مدرن است. بسیاری از افراد نگران از بین رفتن حریم خصوصی‌شان هستند؛ زیرا اینترنت جایی نیست که اطلاعات شخصی نظیر مشخصات شناسنامه‌ای، تصویر و فیلم، عقاید و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی، روابط خانوادگی ایمن باشد. بسیاری از افراد نگران از دست دادن حریم خصوصی خود هستند.

شش. اینترنت و انزوای اجتماعی

یکی از آسیب‌های مورد توجه در زمینه استفاده از اینترنت و اثر آن بر انزوای اجتماعی افراد است. بر اساس مطالعات اورلثان^۳ و لانی^۴ در این زمینه معتقدند اینترنت و استفاده

از آن افراد را از جامعه منزوی می‌کند. آنان بر این باورند اینترنت کودکان زیر ۱۰ سال را منزوی کرده و زمینه رشد آنان را در عرصه‌های دیگر مختل می‌کند. اینترنت امروزه در زندگی اجتماعی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و در حقیقت جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است. افرادی که ساعت‌ها وقت خود را در پایگاه‌های اینترنتی هزینه می‌کنند، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌نهند؛ چراکه فرد، دیگر فعالیت‌های اجتماعی خود را کنار نهاده و به فعالیت فردی رو می‌آورد (Condon, 1990). استفاده افراطی افراد از اینترنت میل به فردگرایی و منزوی شدن از جامعه را در آنان تقویت می‌کند. در برخی موارد باعث می‌شود تا کودکان و نوجوانان در هاله‌ای از خیال فروروند و به‌سختی بتوانند با دنیای واقعی ارتباط برقرار کنند. نتایج نشان می‌دهد که استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است؛ برعکس، کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده می‌کنند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای با مادر و دوستانشان ارتباط بیشتری دارند. این مسئله تا حدی دال بر تأثیر استفاده و سوءاستفاده از اینترنت است (ان لی، پلاس و جیمز اف. کینی، ۱۳۷۸).

رویکردهای آموزش‌های فرهنگی شهروندی

از منظر کلان، رویکردهای آموزش شهروندی را می‌توان به دو دسته کلی رویکردهای «محافظه‌کارانه»^۵ و «پیشرفت‌گرا»^۶ دسته‌بندی کرد. آموزش شهروندی ممکن است برای حفظ و مراقبت از وضع موجود (محافظه‌کارانه) و یا برای توانمند کردن افراد در تلاش برای تغییرات تعالی‌بخش به کار رود (پیشرفت‌گرا). در ادامه به تبیین هر یک از این رویکردها پرداخته شده است:

الف. رویکرد آموزش‌های فرهنگی شهروندی محافظه‌کار

این رویکرد، اولویت ویژه‌ای به بازنمایی فرهنگ، نظم اجتماعی و اقتصادی موجود می‌دهد. مقصود مشترک آن، القای حس وفاداری ملی، فرمان‌برداری از اقتدار و قدرت، خدمت داوطلبانه و ارادی و جذب و یکسان‌سازی افراد جامعه و مهاجران است. از این منظر آموزش شهروندی باید ساختار موجود اجتماعی را بپذیرد، ویژگی‌های اخلاق را

توسعه دهد و اتحاد و نظم اجتماعی را تضمین نماید (Banks, 2008). به‌طورکلی، رویکرد مذکور، ارزش و احترام خاصی به زمان گذشته و آنچه از گذشتگان به ارث رسیده، قائل است. منبع دانش، فضیلت‌ها و ارزش‌ها را سنت و میراث فرهنگی می‌داند که باید از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. با این تفسیر شهروند خوب، شهروندی است که آگاهی و بینش تاریخی و فرهنگی بالایی دارد و در احترام گذاشتن به چارچوب‌ها، مقررات، ارزش‌های وامدار سنت با شک و تردید مواجه نیست. در برخوردها قائل به سلسله‌مراتب احترام و قدرت است و باور دارد که انسان‌ها بر اساس خصوصیات ذاتی به طبقه‌ها و گروه‌هایی تقسیم می‌شوند که تمام امکانات و فرصت‌ها باید به تناسب سلسله‌مراتب توزیع شود (قلتاش، ۱۳۹۱، ص ۶۲).

ب. رویکرد آموزش‌های فرهنگی شهروندی پیشرفت‌گرا

این رویکرد در آموزش شهروندی تأکید ویژه‌ای بر تحولات اجتماعی و عدالت اجتماعی دارد. مقصود مشترک مدل‌های موجود در این رویکرد، آموزش شهروند جهانی، تحلیل‌گر انتقادی، مشارکت‌جوی سیاسی، حامی تعامل فرهنگی و فرد آگاه است. آموزش شهروندی باید در اساس نگران تعالی‌بخشی باشد که به‌واسطه آن شهروندان فعال، آگاه و پرسش‌گر بتوانند به‌طور مؤثر در زندگی مدنی خود مشارکت کنند. از این دیدگاه آموزش شهروندی باید جنسیت، نژاد و ساختارهای طبقاتی را مورد تحلیل و نقد قرار دهد و به توسعه عدالت اجتماعی و احترام به تنوع یاری رساند. شهروند خوب در این رویکرد فردی مهربان، آگاه سیاسی، نگران عدالت اجتماعی و محیط زیست، صبور و با مدارا در مقابل دیگران، امیدوار، قادر و خواهان گفت‌وگو و مشارکت جوی فعال در زندگی اجتماعی است (شاگارسکی و پیمیرز، ۲۰۰۳، ص ۴).

در تشریح بیشتر رویکرد پیشرفت‌گرایی آموزش شهروندی باید اذعان کرد که آن، بر فهم و شناسایی هویت‌های چندگانه و مرتبط، به‌صورت منطقی آشکار در عرصه‌های فرهنگی، ملی، منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. به تعبیری در این نوع آموزش، هویت‌های فرهنگی افراد را مورد شناسایی و تأکید قرار می‌دهد و آن‌ها را به دانش، نگرش و توانمندی‌هایی مجهز می‌سازد که قادر باشند نابرابری‌ها را در جوامع خود و در جهان به

چالش بکشند، ارزش‌ها و دیدگاه‌های جهان‌شمول را ارتقاء دهند و به توسعه عدالت، اجتماعات و جوامع چندفرهنگی و مردم‌سالار اقدام کنند. هم‌چنین رویکرد مذکور افراد را در ارتقای مهارت‌های تصمیم‌گیری، مهارت‌های اجتماعی، مهارت در شناسایی مسائل و مشکلات جامعه، کسب دانش درباره فرهنگ، اجتماع و زبان خود، شناخت ارزش‌های خود و تبدیل شدن به یک انسان متفکر، یاری می‌رساند (Banks, 2008).

هک^۷ (۲۰۰۳) بر مبنای دیدگاه‌های شهروندی سیرز و هاگز (۱۹۹۶) و گیلبرت (۱۹۹۶)، به پنج رویکرد در زمینه آموزش شهروندی اشاره می‌کند که هر یک دارای مفروضات و برداشت‌های متفاوتی در خصوص نوع دانش، نگرش، مهارت‌ها و راهبردهای یاددهی و یادگیری ضروری برای آموزش شهروندی است. در اینجا به تبیین هر یک از این رویکردها، پرداخته شده است:

یک. آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان منزلت قانونی^۸

این رویکرد بر رضایت سیاسی^۹ تأکید داشته و مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی را صرفاً به‌عنوان عمل رأی دادن و شرکت در انتخابات در نظر می‌گیرد. شهروندی از طریق تولد یا اعطای تابعیت شکل می‌گیرد و بدین طریق حقوق و مسئولیت‌های شهروندان معین می‌شود. در متون تخصصی شهروندی این مفهوم با اصلاح ملیت^{۱۰} یکسان فرض می‌شود و به معنای عضویت در یک دولت-ملت خاص است.

دو. آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان هویتی مردم‌سالار^{۱۱}

در این رویکرد، شهروندان عضو جامعه‌ای هستند که دارای سابقه دیرینه تاریخی بود و از افرادی با ارزش‌های مشترک^{۱۲} تشکیل یافته است. از جمله مفروضات این رویکرد لزوم وجود ارزش‌های مشترک برای بقای جوامع مردم‌سالار از سطوح محلی تا سطوح جهانی است و معتقد است که آموزش باید بر شکل‌گیری و توسعه چنین ارزش‌هایی مبتنی باشد. در این رویکرد به‌جای دولت-ملت، حقوق بشر و مردم‌سالاری از اهمیت اساسی برخوردار است. شهروند بودن در این رویکرد به‌مثابه بخشی از فرایند رشد و پرورش اخلاقی افراد در درون اجتماع به حساب می‌آید و فرض بر این است که

شهروندان باید به دولت اجازه دهند تا به نیابت از آن‌ها در حوزه‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندی مشارکت داشته باشد. در این رویکرد، زندگی مدنی^{۱۳} نه تنها در سطوح محلی جریان دارد بلکه سطوح بین‌المللی را نیز شامل می‌گردد و برعکس رویکرد منزلت قانونی که به حقوق و مسئولیت‌های شهروندی مبتنی است، این رویکرد بر احساس تعلق و معنا تأکید دارد (کاوسی و همکاران، ۱۳۹۵).

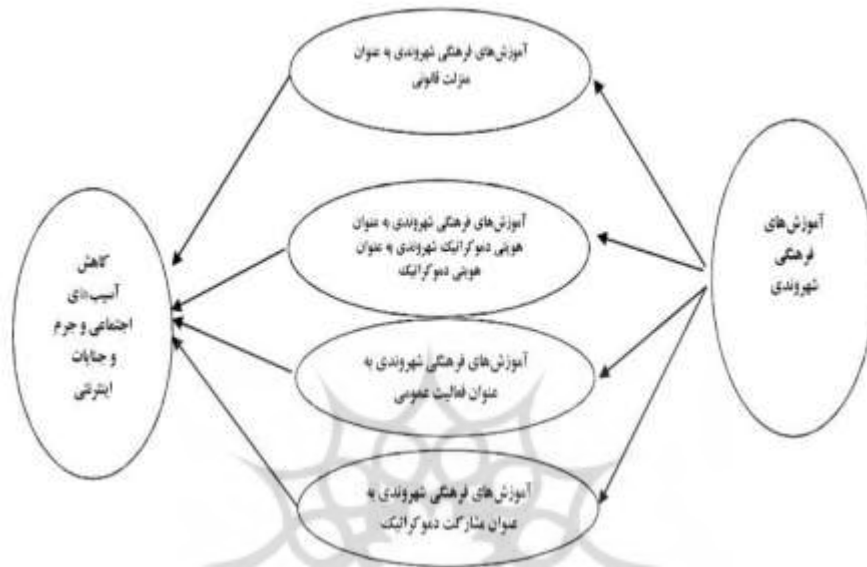
سه. آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان فعالیت عمومی^{۱۴}

بر مبنای این رویکرد، شهروندی به‌مثابه فعالیتی سیاسی و قانونی که صرفاً در چارچوب حوزه عمومی^{۱۵} انجام می‌پذیرد، تلقی می‌شود. در این رویکرد هیچ اجبار و الزامی برای مشارکت افراد به‌عنوان شهروند وجود ندارد و فعالیتی داوطلبانه به حساب می‌آید. دولت به وضع قوانین و مقررات حاکم بر مشارکت در فعالیتهای سیاسی و قانونی می‌پردازد.

چهار. آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان مشارکت مردم‌سالار^{۱۶}

در متون و منابع تخصصی از این رویکرد با عنوان الگویی به لحاظ اجتماعی انتقادی یا رادیکال نام برده می‌شود. شهروندان با هدف دستیابی به طیف وسیعی از دانش، نگرش و ارزش و مهارت‌ها از طریق مشارکت فعالانه، درگیر مسائل مورد علاقه خود می‌شوند. بر طبق این رویکرد، دانش امری موقتی بوده و تفکر انتقادی، پرسشگری و روش‌های مختلف شناخت و دانستن مورد تأکید قرار می‌گیرد. افراد باید نسبت به چگونگی اعمال قدرت در جوامع و برخورداری برخی گروه‌ها از مزایا و امتیازات اجتماعی و عدم برخورداری گروه‌های دیگر از این مزایا و امتیازات به شناخت دست یابند (کاوسی و همکاران، ۱۳۹۵).

مدل تحلیلی پژوهش



نمودار شماره ۱. دربردارنده دو متغیر و ویژگی‌های آن‌ها

روش تحقیق

روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات پیمایشی و از نظر روش اجرا همبستگی است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری انتخابی برای این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، در نظر گرفته شده است و با توجه به اینکه تعداد آن‌ها حدوداً ۱۰۰۰۰ نفر می‌باشند، حجم نمونه از طریق فرمول کوکران محاسبه شده است. از میان پرسشنامه‌های توزیع شده تعداد ۳۵۸ نفر به سؤالات پاسخ داده‌اند که پاسخنامه‌های آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است.

روش و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها به دو شیوه آمار توصیفی و آمار استنباطی است که با استفاده از جداول، نمودارها داده‌های حاصل شده جمع‌بندی و توصیف شده و با توجه به فرضیه‌های تحقیق از طریق آزمون پیرسون داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

شناخت نقش آموزش‌های فرهنگی شهروندی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی.

اهداف فرعی

۱. شناخت نقش آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان منزلت قانونی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی.
۲. شناخت نقش آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان هویتی مردم‌سالار در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایت اینترنتی.
۳. شناخت نقش آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان فعالیت عمومی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی.
۴. شناخت نقش آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان مشارکت در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان منزلت قانونی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان هویتی مردم‌سالار و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان فعالیت عمومی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان مشارکت و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد.

یافته‌های تحقیق

یک. بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان منزلت قانونی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱. ضریب همبستگی پیرسون بین «آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان منزلت قانونی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی»

متغیر	شاخص‌های آماری	آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی
آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان منزلت قانونی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۷۸
	سطح معناداری دو دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۵۸

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۷۷ و در سطح معنادار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد؛ به‌عبارت‌دیگر هراندازه آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان منزلت قانونی بیشتر می‌شود آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی کاهش می‌یابد؛ اما نه در صد درصد

موارد بلکه در ۷۷ درصد از موارد این امر امکان‌پذیر است و این نتیجه قابل تعمیم است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه «بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان منزلت قانونی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۷۷۸) در سطح بالایی ارزیابی می‌شود. دو. بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان هویتی مردم‌سالار و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲. ضریب همبستگی پیرسون بین «آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان هویتی مردم‌سالار و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی»

متغیر	شاخص‌های آماری	آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی
آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان هویتی مردم‌سالار	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۸۷
	سطح معناداری دو دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۵۸

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۸۷ و در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد؛ به‌عبارت‌دیگر هر اندازه آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان هویتی مردم‌سالار بیشتر می‌شود آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی کاهش می‌یابد؛ اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۸۷ درصد از موارد این امر امکان‌پذیر است و این نتیجه قابل تعمیم است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه «بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان هویتی مردم‌سالار و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۸۷) در سطح بالایی ارزیابی می‌شود. سه. بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان فعالیت عمومی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳. ضریب همبستگی پیرسون بین «آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان فعالیت عمومی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی»

متغیر	شاخص‌های آماری	آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی
آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان فعالیت عمومی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۹۹
	سطح معناداری دو دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۵۸

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۷۹ و در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد؛ به‌عبارت‌دیگر هر اندازه آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان فعالیت عمومی بیشتر می‌شود، آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی کاهش می‌یابد؛ اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۷۹ درصد از موارد این امر امکان‌پذیر است و این نتیجه قابل تعمیم است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه «بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان فعالیت عمومی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۷۹) در سطح بالایی ارزیابی می‌شود. چهار. بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان مشارکت و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴. ضریب همبستگی پیرسون بین «آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان مشارکت و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی»

متغیر	شاخص‌های آماری	آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی
آموزش‌های فرهنگی شهروندی به‌عنوان مشارکت	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۱۵
	سطح معناداری دو دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۵۸

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۷۱ و در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر اندازه آموزش‌های فرهنگی شهروندی به عنوان مشارکت بیشتر می‌شود آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی کاهش می‌یابد؛ اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۷۱ درصد از موارد این امر امکان‌پذیر است و این نتیجه قابل تعمیم است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه «بین آموزش‌های فرهنگی شهروندی به عنوان مشارکت و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایات اینترنتی» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۷۱) در سطح بالایی ارزیابی می‌شود.

جمع‌بندی

جهان امروز، تحت تأثیر توسعه رسانه‌های ارتباطی در عرصه جهانی، عصر ارتباطات و اطلاعات نام گرفته و تأثیر این مفهوم را در علوم انسانی با تعبیری همچون عصر دانایی، انفجار اطلاعات، انقلاب اطلاعات و جامعه اطلاعاتی بیان می‌کنند. گسترش و نفوذ رو به توسعه رسانه‌ها و فناوری‌های نوین بر نهادهای اصلی جامعه یعنی فرهنگ، سیاست، خویشاوندی، روابط اجتماعی افراد و آموزش تأثیر گوناگونی گذارده است. پیدایی و گسترش ارتباطات رایانه‌ای به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فناوری جدید ارتباطی - اطلاعاتی، ارتباطات را معنایی تازه بخشیده و موجب دگرگونی در تعاملات اجتماعی شده است. تاکنون هم حضوری فیزیکی، وجه ممیزه تعامل و رابطه محسوب می‌شد. رابطه به طور ضمنی حکایت از ارتباطی بین شخصی داشت که با وجوه تئوری فیزیکی نیز بتوان آن را حفظ کرد. درحالی که حتی در ارتباطات تلفنی که نسل گذشته فناوری رایانه‌ای امروز به حساب می‌آید، بدون شک طرفین مکالمه، بدون اینکه یکدیگر را ببینند، در فضایی به اصطلاح مجازی به تعامل می‌پردازند. این موضوع به نحو اولی در موقعیت‌هایی که تماس فیزیکی از این هم نادرتر است؛ یعنی ارتباطات رایانه‌ای، صدق می‌کند؛ از این روست که ارتباط، تعامل و رابطه از نو تعریف و تمیز آن‌ها مشخص می‌شود. ارتباط، به عنوان شکلی از تعامل، محدودیت‌های زمانی و مکانی را درمی‌نوردد. پیدایی ارتباطات رایانه‌ای نیز همانند ظهور و فراگیری رسانه‌های

ارتباطی گذشته، بحث‌ها و تحقیقات متعددی را بر سر آثار فردی و به‌ویژه اجتماعی، آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت، آثار سطحی و زودگذر و یا عمقی و دیرپای آن، و برای نشان دادن آثار (مثبت و منفی) آن را به راه انداخته است.

عواملی نظیر توسعه فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی شدن جامعه، نه تنها زندگی مردم را تغییر داده، بلکه چارچوب‌های نمادین آن‌ها را نیز دگرگون ساخته است. در این شرایط انسان‌ها، بیش‌ازپیش به هویت به‌عنوان منبع توانا برای نظم بخشیدن به زندگی و دنیای اطراف نیازمندند. جهانی شدن رسانه‌ها برخاسته از یک زیربنای فکری و گرایش نوین در اندیشه و تفکر است که در دهه ۱۹۹۰ در محافل علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب (و به‌ویژه آمریکا) رواج یافت. جهانی شدن یک تحول اجتماعی است که در آن، قیدوبندهای جغرافیایی، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی از میان می‌رود و روابط انسانی، کیفیت بدون مرز و بدون زمان به خود می‌گیرد. طرفداران این نظریه برای دستیابی به هدف، از وسایل ارتباط جمعی، مانند ماهواره، اینترنت و پست‌های الکترونیکی به‌عنوان ابزار مهم و اصلی سود جست‌اند؛ بنابراین، «جهانی شدن رسانه‌ها» و یا به تعبیر دیگر وسایل ارتباط جمعی فرامرزی (مانند اینترنت و تلویزیون) فرسایش هویت‌های ملی و فرهنگی را در پی دارد.

یادداشت‌ها

1. Edward
2. Maider
3. Myron Orleans
4. Margaret C. Laney
5. conservative
6. progressive
7. Heck
8. citizenship education as legal status
9. political content
10. ationality
11. citizenship education as democratic identity
12. shared values
13. civic life
14. citizenship education as public practice

15. public domain

16. citizenship education as democratic participation

کتابنامه

- آذری، غ (۱۳۸۱)، «ماهواره‌ها و بی‌خویشتن‌شدگی مخاطبان»، فصلنامه پژوهش‌سنجش، ش ۳۰.
- بنشاپ، آ (۱۳۸۴)، «آزار مجازی»، ماهنامه سیاحت غرب، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، س ۳، ش ۲۹.
- همو (۱۳۸۴)، «پورنوگرافی در فضای مجازی»، ماهنامه سیاحت غرب، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، س ۳، ش ۲۶.
- پستمن، ن (۱۳۷۳)، تکنوپولی، فرهنگ در اسارت تکنولوژی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران، انتشارات سروش.
- پلاس، ان لی، و کینی، جیمز اف. (۱۳۷۸)، «دریافت تلویزیون‌های جهانی در آسیا و تأثیر آن بر فرهنگ‌های محلی»، مترجم حمید نورایی، فصلنامه رسانه، سال دهم، ش ۴.
- پهلوان، چ (۱۳۹۰) فرهنگ‌شناسی؛ گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران: نشر قطره، چ ۳.
- تافلر، آ (۱۳۷۷)، جابه‌جایی در قدرت، شهین‌دخت خوارزمی، چاپ هفتم، تهران، نشر سیمرغ.
- جبارزاده، و؛ تباریایی، م ع و حسین‌نیا، هـ (۱۳۸۹)، «ضرورت توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، نامه پژوهش فرهنگی، س ۱۱، ش ۱۰، تابستان.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴)، «جوانان اینترنتی (سازمان ملی جوانان از میزان دسترسی به اینترنت)»، روزنامه جام جم، لیک، س ۶، ش ۶۱، ۱۳ شهریور.
- خسروپناه، ع (۱۳۹۰) جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها، چاپ پنجم، قم: انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی.
- دیویس، س و دیویس، دا (۱۳۸۰)، «مسجد و ماهواره: وسایل ارتباط‌جمعی و جوانان در مراکش»، محمود شهابی، نمایه پژوهش، ش ۱۷، سال پنجم.
- ذکایی، م س (۱۳۹۱) «آموزش شهروندی و توسعه اجتماعی»، نیمرخ شهر ۷، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران: نشر تیسرا.
- شرکت فناوری اطلاعات (۱۳۸۵)، «آمار کاربران اینترنت در ایران»، هفته‌نامه بزرگراه فناوری.

- صادقی، ع ر (۱۳۹۱)، «چندفرهنگی و نسبت آن با آموزش»، رشد تکنولوژی آموزشی، ش ۴، دی، دوره بیست و هشتم، ۳۴-۳۷.
- عربی، ه و شیخانی، ح (۱۳۸۹)، «فرهنگ کار و نگرش‌های جوانان (مطالعه موردی شهر قم)»، دوفصلنامه علمی- تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، س ۲، ش ۴، پاییز و زمستان، ۱۴۳-۱۶۴.
- علائی رحمانی، ف و حسین‌پور، و (۱۳۹۱)، «هندسه فرهنگی قرآن برای فرد»، نشریه مهندسی فرهنگی، س ۷، ش ۷۱ و ۷۲، آذر و دی.
- فتحی، س و علاف‌بهبهانی، ز (۱۳۹۰)، «تحقق شهرداری به‌عنوان نهاد اجتماعی با تأکید بر آموزش شهروندی»، مجموعه مقالات همایش علمی شهرداری به‌منزله نهاد اجتماعی، جلد پنجم، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران: تیسرا.
- فراهانی، م (۱۳۸۹)، «تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره): اهمیت، جایگاه و عوامل مؤثر بر تعلیم و تربیت»، چاپ ششم، تهران: دفتر نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
- قلناش، ع (۱۳۹۱)، «مبانی اجتماعی و سیاست تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی»، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲ (۱)، ۴۷-۶۴.
- کاوسی، ا و قیومی، ع و منافی شرف‌آباد، ک (۱۳۹۵)، آموزش‌های فرهنگی در جامعه معاصر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
- مقام معظم رهبری (۱۳۷۲)، «دیدار جمعی از شعرا، ادبا، فرهنگیان و دانشگاهیان استان آذربایجان شرقی»، نهم مرداد.
- مقام معظم رهبری (۱۳۷۸)، «دیدار رئیس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی»، ۲۴ آذر.
- منوچهری، ع و نجاتی حسینی، م (۱۳۸۵) «درآمدی بر نظریه شهروندی گفت‌وگویی در فلسفه سیاسی هابرماس»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۸.

Abu_lughod, L. (1989), Bedouins Cassettes and Technologies of Public Culture , *Middle East Report*, vol. 19.

Banks, J.A. (2007), *Educating Citizens in a Multicultural Society* (2nd ed.), New York: Teachers College Press.

- Banks, J.A. (2008), *Diversity & Citizenship Education in Global Times; The Sage Handbook of Education for Citizenship and Democracy*, Los Angeles: Sage.
- Condon R.G. (1990), *The Rise of Adolescence: Social Change and Life Stage Dilemmas in the Central Canadian Arctic*, Human Organization. findarticles.com/p/articles/mi_m2248/is_138_35/ai_66171001
- Miller, J.P. (1983), *The Educational Spectrum* Longman New York and London.
- Taylor, E.B. (2010), *Primitive Culture, the 1873 edition Was Divided into Two Volumes*, The Origins of Culture and Religion in Primitive Culture, Reissued by Cambridge University Press.
- Turner, B. (1986), *Citizenship and Capitalism*, The Debate Over Reformism. London: Allen & Unwin.
- Turner, B.S. (2001), *Outline of a General Theory of Cultural Citizenship*, in Nick.